

ارزیابی خبررسانی نشریه جبل‌المتین کلکته در جریان استبداد صغیر (۲۳ جمادی‌الاول ۱۳۲۶ق - ۲۷ جمادی‌الثانی ۱۳۲۷ق)

محمد مهدی مرادی خلج^۱
زینب دهقان حسام‌پور^۲

چکیده

محمد علی شاه، پس از به توپ بستن مجلس، قدرت مطلقه عرصه سیاسی کشور شد و در پی آن، فضای مطبوعاتی کشور بسته و محدود گشت. مطبوعات فارسی‌زبان خارج از کشور، به دلیل پراکندگی و تعطیلی مطبوعات داخلی در این دوره، انتشار اخبار را بر عهده داشتند. تنها نشریه فارسی‌زبانی که در بیشتر بازه زمانی استبداد صغیر به چاپ رسیده، جبل‌المتین کلکته بود. بنابراین، بررسی شماره‌های منتشره این نشریه در زمان استبداد صغیر، می‌تواند راهگشای پژوهشگران باشد. ناشران جبل‌المتین با انتشار ۴۹ شماره از آن، علاوه بر نشر اخبار استبداد صغیر بر اساس منابع خبری داخلی و خارجی، با چاپ سرمقاله‌ها و ارائه تحلیل از رویدادهای ایران و جهان مرتبط با استبداد صغیر، سعی در روشن کردن اذهان عمومی داشتند.

این مقاله، با روش توصیفی - تحلیلی و مطالعه آماری اخبار جبل‌المتین از رویدادهای استبداد صغیر، به تحلیل چگونگی اطلاع‌رسانی جبل‌المتین و موانع بر سر راه آن و چگونگی

۱. دانشیار، گروه تاریخ دانشگاه شیراز (نویسنده مسؤول)، mm_mkhalaj@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری، ایران بعد از اسلام، دانشگاه شیراز، zhesampour@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۹۸/۱/۲۰ تاریخ پذیرش: ۹۸/۳/۲۱

اثرگذاری نشریه در آن دوران پرداخته است. نتایج این پژوهش، حاکی از آن است که با وجود موانعی چون بُعد مسافت میان منشأ اخبار و کلکته (محل چاپ نشریه) و وضعیت سیاسی شهرهای مختلف، از جمله محاصره شهرها توسط نیروهای دولتی که مخلّ جریان آزاد اطلاعات بود، این نشریه بر مبنای آمارهای به‌دست‌آمده، از عهده اطلاع‌رسانی اخبار استبداد صغیر به‌خوبی برآمده و از نتایج اثرگذاری آن، می‌توان به تهییج افکار عمومی ایرانیان داخل و خارج از کشور که سبب یاری رساندن به مشروطه‌خواهان داخلی به شکل کمک مالی و یا همراهی و قیام علیه مستبدان بوده، اشاره کرد.

واژگان کلیدی

استبداد صغیر، حبل‌المتین کلکته، مؤیدالاسلام کاشانی، مطبوعات.

مقدمه

حبل‌المتین کلکته، از نشریات مؤثر در جریان انقلاب مشروطیت ایران بود که از دهم جمادی‌الثانی ۱۳۱۱ق به مدیریت جلال‌الدین حسینی، ملقب به مؤیدالاسلام، انتشار یافت. این نشریه، در دوره استبداد صغیر نقش مهمی در روشنگری، قانون‌خواهی و فروزان‌نگهداشتن چراغ مشروطه‌طلبی داشت. مؤیدالاسلام پس از چاپ نشریه در آستانه استبداد صغیر در ۱۵ جمادی‌الاول ۱۳۲۶ق، تا زمانی که روند وقایع در ایران مشخص نبود، شماره دیگری از حبل‌المتین را چاپ نکرد و بنا بر قول نگاشته‌شده در شماره اول سال شانزدهم که در ۱۴ جمادی‌الثانی ۱۳۲۶ق به چاپ رسید، سال پانزدهم را در اضطرار و انتظار به پایان برده بود (حبل‌المتین کلکته، ۱۴ جمادی‌الثانی ۱۳۲۶ق، ش ۱: ۱).

حبل‌المتین در سال شانزدهم نیز در هفته سوم جمادی‌الثانی ۱۳۲۶ق بدون اطلاع قبلی و در هفته دوم ذیحجه و هفته دوم محرم ۱۳۲۷ق با اطلاع قبلی به خوانندگان، منتشر نشده بود. در مجموع، ۴۹ شماره از حبل‌المتین در بازه زمانی استبداد صغیر انتشار یافته که شامل سال شانزدهم و دو شماره نخستین سال هفدهم منتشره در هفته سوم و چهارم جمادی‌الثانی ۱۳۲۷ق بوده است.

پژوهش پیش‌رو قصد یافتن پاسخ به این پرسش‌ها را دارد که رویدادهای استبداد صغیر در نشریه حبل‌المتین کلکته چگونه بازتاب یافته است؟ ناشران نشریه، چه موانعی برای

اطلاع‌رسانی اخبار آن دوره داشته‌اند؟ جبل‌المتین، چه تأثیراتی بر همفکران خود داشت؟ نگارنده در ابتدا با استفاده از اطلاعات و اخبار مندرج در جبل‌المتین درباره این بازه زمانی، اخبار دیگر منابع دسته‌اول در این دوره را تکمیل نموده و موضع‌گیری‌ها و واکنش‌های نشریه و صاحب امتیاز آن، مؤیدالاسلام را در قبال رویدادها بررسی کرده است. سپس، با شمارش فراوانی اخبار مرتبط با استبداد صغیر در مناطق مختلف ایران به صورت ماهانه و نیز در مقاطع مختلف استبداد صغیر در دو جدول شماره یک و دو فراهم آمده است. همچنین، فراوانی فعالیت‌های ایرانیان خارج از کشور و خارجیان را مبنای تحلیل قرار داده و به موانع اطلاع‌رسانی نشریه در این دوره و نیز تأثیرگذاری نشریه پرداخته است.

اگرچه در باره دوره استبداد صغیر پژوهش‌های بسیاری در قالب کتاب، مقاله و پایان‌نامه انجام شده است و همچنین، اطلاعات نشریه جبل‌المتین کلکته در موضوعات مختلف منبع پژوهشگران بوده است، اما پژوهشگران اندکی جبل‌المتین کلکته را به عنوان یک منبع اصلی در دوره استبداد صغیر مورد بررسی قرار داده‌اند. نقش و اطلاعاتی که جبل‌المتین در این بازه زمانی در اختیار مخاطبان قرار داده، موضوع دو مقاله بوده است؛ یکی مقاله «بازشناسی روابط خارجی ایران در دوره استبداد صغیر با تکیه بر دیدگاه‌های جبل‌المتین کلکته» نوشته محمدرضا علم و محمد امیری که در شماره ۳۱ مجله تاریخ روابط خارجی در تابستان ۱۳۸۶ به چاپ رسیده است. نویسندگان آن مقاله، مروری کوتاه از نگاه جبل‌المتین در خصوص ارتباط با دیگر کشورها در دوره استبداد صغیر داشته‌اند و تنها به وقایعی پرداخته‌اند که ناشی از دخالت بیگانگان در آن زمان بوده است و حتی در این موارد، بررسی ناقصی از اخبار و تحلیل‌های مندرج در جبل‌المتین داشته‌اند. مقاله دیگری نیز با عنوان «رویاری استبداد و مشروطه در دوران استبداد صغیر با تکیه بر روزنامه جبل‌المتین کلکته» توسط محمد امیری در سومین کنفرانس بین‌المللی علوم انسانی، روان‌شناسی و علوم اجتماعی در تیر ۱۳۹۵ ارائه شده است. این مقاله نیز چند ارجاع کوتاه به جبل‌المتین داشته و مطالب این نشریه را تنها به صورت ارجاع مستقیم و بدون تحلیل، نقل قول کرده است و اطلاعات جدیدی مبنی بر تأثیر جبل‌المتین و چگونگی نشر اخبار استبداد صغیر در اختیار پژوهشگران نمی‌گذارد. بنابراین، با توجه به انتشار تقریباً منظم جبل‌المتین در دوران استبداد صغیر و چاپ اخبار منحصر به فرد این دوره در آن نشریه، بررسی دقیق و همه‌جانبه آن ضروری می‌نماید.

۱. وضعیت نشریات فارسی داخل و خارج از کشور در دوران استبداد صغیر

عملکرد روزنامه‌نگاران در مشروطه اول به گونه‌ای تشنج‌آفرین و بحران‌زا بود که مخالفان مشروطیت، از آن به عنوان حربه‌ای برای اعتراض استفاده می‌کردند. شیخ فضل‌الله به رفتارهای برخی از روزنامه‌نگاران می‌تاخت (مرادی خلیج، ۱۳۸۹: ۲۶۷) و مشیرالسلطنه وزیر اعظم، بمباران مجلس را اقدامی جهت تنبیه روزنامه‌نگاران، ناطقین و... عنوان می‌کرد (ناظم‌الاسلام کرمانی، ۱۳۶۲: ۱۶۲/۴).

روزنامه‌نگاران، از اصلی‌ترین گروه‌های اجتماعی بودند که بعد از به توپ بستن مجلس، مورد تعقیب، آزار و قتل قرار گرفتند. سلطان‌العلماء خراسانی، میرزا جهانگیرخان صوراسرافیل و شیخ‌علی قاضی ارداقی، در باغشاه کشته شدند (پروین، ۱۳۷۹: ۷۳۰/۲) و برخی دیگر مانند میرزا حسن کاشانی، برای نجات جان خود به سفارت دیگر کشورها پناهنده شدند. لیاخوف بعد از به توپ بستن مجلس، مسئول فرمانداری نظامی تهران شد و عملاً همه نمادهای مشروطه همچون نشریات را برچید (کسروی، ۱۳۵۴: ۶۵۷) و فضا علیه مطبوعات به حدی بود که در میان مشروطه‌خواهان شایع شده بود که «شیخ‌فضل‌الله، حکم به کفر هر چه روزنامه‌نویس است»، داده بود (ناظم‌الاسلام کرمانی، ۱۳۶۲: ۱۷۰/۴). بدین ترتیب، تقریباً تمام روزنامه‌نگاران مشروطه‌خواه پایتخت، یا پنهان گشتند یا فرار کردند یا تبعید شدند.

مطبوعات در دیگر شهرها نیز به طور اجباری تعطیل گشتند. تمامی روزنامه‌های تبریز به توقیف درآمدند و مستبدان در تبریز به چاپخانه‌ها حمله کردند (کهن، ۱۳۶۲: ۴۰۵/۲). بدین شکل، مطبوعات در آغاز استبداد صغیر، به طور سراسری در کشور توقیف و تعطیل شدند.

اگرچه مجدداً اسلام کرمانی توانست اجازه انتشار مجدد ندای وطن را به عنوان تنها روزنامه غیردولتی در تهران، پس از چندی کسب کند، اما حسین پیرنیا (مؤتمن‌الملک)، وزیر علوم، به وی گوشزد کرد که تصمیم محمدعلی‌شاه بر عدم چاپ نشریات است (ناظم‌الاسلام کرمانی، ۱۳۶۲: ۱۹۳/۴). با این حال، روزنامه اقیانوس با خطامشی طرفداری از استبداد، پس از کودتا در تهران منتشر می‌گشت (پروین، ۱۳۷۹: ۵۳۱/۲).

پس از آنکه مشروطه‌خواهان موفق به تسلط بر تبریز، اصفهان و رشت شدند، به مطبوعات طرفدار مشروطه در آن مناطق اجازه چاپ داده شد؛ مانند ناله ملت و انجمن در

تبریز. همچنین، برخی از نشریاتی که در مشروطه اول در تهران به چاپ می‌رسید و مدیران آن موفق به فرار شده بودند، در شهرهای انقلابی دوباره منتشر گشتند؛ مانند چاپ حبل‌المتین تهران در رشت و مساوات در تبریز.

با توجه به فضای عمومی ایران در دوره استبداد صغیر، نشریات فارسی‌زبان خارج از کشور، می‌توانستند کمک شایانی در جهت اطلاع‌رسانی به مردم کنند. این‌گونه نشریات را در این دوره می‌توان به چند دسته تقسیم کرد:

الف. نشریاتی که توسط مشروطه‌خواهان در این دوره آغاز به انتشار کردند و هدف اصلی آنان، انتشار اخبار ایران در زمان استبداد صغیر بود؛ برای مثال، ایرانیان اسلامبول که انجمن سعادت را جهت ارتباط و یاری به مشروطه‌خواهان تبریز بر پا کرده بودند، برای روشنگری در باره رویدادهای ایران، به‌ویژه تبریز در شعبان ۱۳۲۶ق، اقدام به انتشار روزنامه شمس به مدیریت سید حسن تبریزی کردند (صدرهاشمی، ۱۳۲۷: ۸۴/۳-۸۲).

ب. نشریاتی که مدیران آن، جزء روزنامه‌نگاران تبعیدی بودند و پس از استقرار در خارج از کشور، به انتشار مجدد روزنامه‌هایشان پرداختند؛ مانند علی‌اکبر دهخدا و میرزا علی‌آقای شیرازی که به ترتیب صوراسرافیل را در ایوردن سوئیس و مظفری را در مکه منتشر کردند (پروین، ۱۳۷۹: ۹۱/۲-۶۹۴).

ج. سومین دسته، نشریات فارسی‌زبانی بودند که از پیش از مشروطه در خارج از کشور به چاپ می‌رسیدند و در دوره استبداد صغیر نیز به کار خود ادامه دادند. حبل‌المتین در هند، چهره‌نما و حکمت در مصر، جزء این دسته نشریات بودند.

«چهره‌نما» در دوره استبداد صغیر در قاهره به مدیریت میرزا عبدالمحمد مؤدب‌السلطان منتشر می‌شد (صدرهاشمی، ۱۳۲۷: ۱۹۴/۲). حکمت نیز به مدیریت محمد مهدی خان تبریزی ملقب به زعیم‌الدوله در قاهره انتشار می‌یافت (همان: ۲۲۹/۲). چهره‌نما و حکمت، در دوره سیزده‌ماهه استبداد صغیر، دچار وقفه‌هایی طولانی در انتشار بودند. حکمت به دلیل بیماری زعیم‌الدوله، از ۱۵ صفر ۱۳۲۷ق تا اول ربیع‌الثانی ۱۳۲۷ق به چاپ نرسید (حکمت، غره ربیع‌الثانی ۱۳۲۷ق، ش ۹۲۹: ۱). چهره‌نما نیز از ابتدای جمادی‌الاول ۱۳۲۷ق تا رمضان ۱۳۲۷ق منتشر نشد. مؤدب‌السلطان، علت این وقفه چندماهه را مسافرت به اروپا به واسطه برخی تهدیدات عنوان کرد (چهره‌نما، ۱ رمضان ۱۳۲۷ق، ش ۱۰: ۲۱). همچنین، دوری مصر از ایران، باعث تأخیر بسیار در چاپ اخبار در این دو نشریه بود. نکته دیگر اینکه

مدیران هر دوشهریه یادشده، به دلیل استقبال از ورود میرزا شفیق خان مقتدرالملک (سفیر محمدعلی شاه در مصر)، مورد اعتراض مشروطه خواهان قرار گرفتند؛ به نحوی که نشریه شمس، با هر دو نشریه وارد جدال قلمی گشت (شمس، ۲۹ ذی الحجه ۱۳۲۶ق، ش ۲۰: ۹۰۸). این مناقشه قلمی، به حدی بالا گرفت که مدیر حبل المتین از طرفین ماجرا خواست که این مباحثات را به وقت دیگری واگذارند (حبل المتین کلکته، ۱۵ صفر ۱۳۲۷ق، ش ۳۲: ۴). حبل المتین کلکته، در واقع، تنها نشریه فارسی بود که در تمام طول دوره استبداد صغیر با ترتیب انتشار تقریباً منظم به چاپ رسید. مدیران دیگر نشریات، برای مؤیدالاسلام سمت استادی قائل بودند (چهره نما، ۱۰ شوال ۱۳۲۸ق، ش ۱۹: ۸) و حبل المتین را تحسین می کردند (شمس، ۸ شوال ۱۳۲۸ق، ش ۹: ۲).

برخی اخبار مندرج در حبل المتین نیز به سبب دست‌آورد بودن منبع خبری و برخی مقالات آن که نشان دهنده موضع نشریه بود، در دیگر نشریات آن دوره نیز نقل شده است (برای مثال، نگاه کنید به: حکمت، ۱۵ ربیع الثانی ۱۳۲۷ق: ش ۳/۹۳۰-۶، مصاحبه خبرنگار حبل المتین با سردار اسعد در بمبئی). بنابراین، می توان به درستی حبل المتین را از اصلی ترین منابع دوره استبداد صغیر برشمرد که در آن زمان با وجود تمام کاستی ها و موانع، از بهترین ابزار اطلاع رسانی به ایرانیان در سراسر جهان بود.

۲. ترسیم اوضاع اجتماعی - سیاسی ایران در استبداد صغیر با تکیه بر اخبار حبل المتین کلکته

بر اساس اخبار حبل المتین و منابع تاریخی و با توجه به کنش ها و واکنش های طرفداران استبداد و مشروطه خواهان، می توان دوره استبداد صغیر را به مقاطع پنج گانه زیر تقسیم کرد: به توپ بستن مجلس تا نسخ مشروطیت (۲۳ جمادی الاول ۱۳۲۶ق - ۲۴ شوال ۱۳۲۶ق)، از نسخ مشروطیت تا ورود قوای بیگانه به ایران (پایان شوال ۱۳۲۶ق - ربیع الاول ۱۳۲۷ق)، از دخالت قوای بیگانه در ایران تا اعلان مجدد مشروطیت و عفو عمومی از سوی محمدعلی شاه (میان ربیع الاول ۱۳۲۷ق - ربیع الثانی ۱۳۲۷ق)، از عفو عمومی تا تصمیم به فتح تهران (اواخر ربیع الثانی ۱۳۲۷ق - جمادی الاول ۱۳۲۷ق)، فتح تهران (جمادی الثانی ۱۳۲۷ق).

۲-۱. از به توپ بستن مجلس تا نسخ مشروطیت (۲۳ جمادی‌الاول ۱۳۲۶ق تا ۲۴ شوال ۱۳۲۶ق)

برابر داده‌های روزنامه جبل‌المتین، ایران در آستانه به توپ بستن مجلس، شاهد دو حرکت متضاد بود؛ از یکسو محمدعلی‌شاه با انتصاب مخالفان مشروطه در مناصب گوناگون، در صدد وادار کردن اجباری مردم به اطاعت از دستورات خود بود و به علما نیز اطمینان داده بود که با مشروطه مخالفتی ندارد و تنها به دنبال مجازات چندتن از مفسدان است (شریف‌کاشانی، ۱۳۶۲: ۱۹۲/۱). از سوی دیگر، مردم با احساس خطر از موضع محمدعلی‌شاه نسبت به مجلس و مشروطه، با تعطیلی فعالیت‌های خود و ارسال تلگراف به تهران، پیگیر امور بودند و هشدارهای لازم را در تلگراف‌های خود به هرگونه فعالیت علیه مجلس ابراز می‌کردند (جبل‌المتین کلکته، ۱۴ جمادی‌الثانی ۱۳۲۶ق، ش ۱: ۲۰-۲۲؛ ۲۸ جمادی‌الثانی ۱۳۲۶ق، ش ۲: ۱۹-۹). در این میان، نقش مردم تبریز برجسته‌تر بود. برابر گزارش جبل‌المتین، در پی آن همه تلگراف، تنها نقطه‌ای که به اقدامات وعده داده‌شده در حمایت از مجلس و مشروطیت وفادار ماند، اهالی آذربایجان و به‌خصوص ساکنان تبریز بودند. این نشریه یادآور شده است: «بجز اهالی آذربایجان، بقیه بلاد آنچه را تلگراف کردند، عمل نکردند؛ درحالی‌که استبداد آنها را رها نکرده و به سراغ آنان هم می‌رود» (جبل‌المتین کلکته، ۲۸ جمادی‌الثانی ۱۳۲۶ق، ش ۲: ۱۶) و تشکیل مجلس مشروعه توسط محمدعلی‌شاه به قصد ادامه حکومت استبدادی را خیالی واهی شمرده و نوشته است: «یا باید سر برود یا کلاه بیاید» (همان: ۲۴).

به توپ بسته شدن مجلس، باعث ایجاد سرخوردگی در مشروطه‌خواهان ایرانی گشت؛ اما در آن زمان، اعطای مجدد مشروطه در عثمانی، به تعبیر جبل‌المتین، مانند کمک غیبی برای مشروطه‌خواهان ایرانی بود؛ زیرا آن امر سبب افزایش فعالیت آزادانه ایرانیان در عراق و دیگر نقاط عثمانی جهت اعاده مشروطیت شد (جبل‌المتین کلکته، ۵ رجب ۱۳۲۶ق، ش ۳: ۲). همچنین، تکفیر شاه توسط علمای نجف، بر روحیه و جسارت ایرانیان مشروطه‌خواه بیش از پیش افزود. (شریف‌کاشانی، ۱۳۶۲: ۲۵۵/۱)؛ به طوری‌که مؤیدالاسلام، شاه را مهدورالدم و قاتلش را مجاهد نامید (جبل‌المتین کلکته، ۱۹ رجب ۱۳۲۶ق، ش ۵: ۱) و حتی پیشنهاد به پادشاهی احمد میرزای ولیعهد با نیابت سلطنت ظل‌السلطان داده بود (همان، ش ۵: ۳ و ۲).

در این میان، درباریان هم با تحریک طرفداران استبداد در آذربایجان، شرایط سختی را برای مشروطه‌طلبان به وجود آورده بودند. جنگ‌های متعدد در شعبان ۱۳۲۶ ق میان مستبدین و مشروطه‌خواهان تبریز (ویجویه، ۱۳۵۵: ۱۴۵ و ۱۴۶) به‌گونه‌ای شرایط را برای ساکنان تبریز دشوار کرده بود که ایرانیان اسلامبول درخواست جمع‌آوری کمک‌های مالی برای مردم تبریز را نمودند (حبل‌المتین کلکته، ۲۴ شعبان ۱۳۲۶ ق، ش ۱۰: ۲) و برای سازماندهی این امر انجمن سعادت را تشکیل دادند (همان، ۱۰ رمضان ۱۳۲۶ ق، ش ۱۲: ۲) مؤیدالاسلام نیز در هند با چاپ فرمان واجب‌الاطاعه علمای نجف در خصوص کمک مالی و جانی به اهالی تبریز، بر جمع‌آوری اعانه از ایرانیان هند تأکید داشت و برای تشویق آنان، اسامی اعانه‌دهندگان را در حبل‌المتین چاپ می‌کرد (همان، ۱۶ رمضان ۱۳۲۶ ق، ش ۱۳: ۱۴).

علاوه بر جمع‌آوری کمک مالی، طلاب نجف هم‌رأی با ایرانیان مقیم اسلامبول، برای پایان دادن درگیری‌ها در تبریز، خواستار حرکت علما از نجف به تبریز بودند (همان، ۱۰ شعبان ۱۳۲۶، ش ۸: ۷). طلاب با خواندن تلگراف آذربایجانیان مقیم قفقاز، خطاب به حجج اسلام که در حبل‌المتین چاپ شده بود (همان، ۵ رجب ۱۳۲۶ ق، ش ۳: ۲۳)، باعث شور و غوغایی در مجلس درس آخوند خراسانی شدند. ایشان در جواب درخواست طلاب اعلام کردند که پس از اتحاد طلاب، حتی اگر نفعی نباشد، به سوی ایران حرکت خواهند کرد (کفایی، ۱۳۵۹: ۲۱۵) و وعده دادند «هیئت مخصوصه» ای به سرپرستی حجت‌الاسلام آقاسید علی آقای تبریزی را با هدف «اطفای نایره فساد و اصلاح ذات‌البین و اتحاد کلمه اسلامی» به سوی ایران خواهند فرستاد (حبل‌المتین کلکته، ۱۰ رمضان ۱۳۲۶ ق، ش ۱۲: ۱۹ و ۳).

از طرف دیگر، اقدام سیدعبدالحسین لاری در حمایت از مشروطه در فارس و اعلام آمادگی حرکت به سوی شیراز و تهران نیز نشان‌دهنده گسترش فعالیت ایرانیان و علمای مشروطه‌خواه علیه استبداد محمدعلی شاه بود (همان: ۲۴). با این حال، سید کاظم یزدی با وجود اصرار طلاب نجف، حاضر به همکاری با علمای مشروطه‌خواه و حمایت از مردم تبریز نبود (همان: ۱۹-۲۲). این امر، کنایه مؤیدالاسلام به وی را در پی داشت. او اقدامات و مواضع سید کاظم را دلیل کاهش تعداد مقلدان و قیمت رساله‌اش دانسته و هشدار داده بود که مخالفتش با مشروطه، از نظر مشروطه‌خواهان عثمانی قابل پذیرش نیست و با وی برخورد

خواهند کرد (همان: ۲۲-۲۴).

به نظر مؤیدالاسلام، خون مردم کشته شده به گردن روحانیون طرفدار محمدعلی شاه بود و وی بنا به تکلیف شرعی خود اعلام کرده بود که «بقا و رجوع به تقلید سید کاظم یزدی، شرعاً جایز نیست» (همان، ۳۰ رمضان ۱۳۲۶ ق، ش ۱۵: ۲۴). با این حال، آن گروه از روحانیون دست از مخالفت با مشروطیت برنداشتند و درحالی که نهم شوال موعده شاه در باره برپایی مجدد مجلس بود (ملک‌زاده، ۱۳۷۱: ۸۵۲/۴)، شیخ فضل‌الله نوری و دیگر روحانیون همفکرش با استناد به تلگرافات روحانیون شهرهای مختلف، مشروطه را با قواعد اسلام منافی دانسته و به کلی از آن صرف نظر کردند. (شریف‌کاشانی، ۱۳۶۲: ۱۳۳۷/۱). محمدعلی شاه نیز به پشتگرمی این اقدام، در ۲۴ شوال اعلام داشت: «نظر به حرمت مشروطه، او از این خیال منصرف و دیگر همچو مجلسی برقرار نخواهد شد» (کسروی، ۱۳۵۴: ۸۲۶). اگرچه برخی از مشروطه خواهان داخل و خارج با ارسال تلگراف و یادآوری وعده شاه، خواستار تشکیل مجلس بودند، اما مؤیدالاسلام بر این نظر بود که اگر محمدعلی شاه با «هیاهوی تلگرافی به جاده عدالت می آمد، کار به اینجا کشیده نمی شد و تنها راه، همان کاری است که تبریزی‌ها انجام دادند» (جبل‌المتین کلکته، ۲۱ شوال ۱۳۲۶ ق، ش ۱۸: ۲۴).

۲-۲. از نسخ مشروطیت تا ورود قوای بیگانه به ایران (پایان شوال ۱۳۲۶ ق تا ربیع‌الأول ۱۳۲۷ ق)

مردم با نسخ مشروطیت، به این باور رسیدند که باید خود برای اعاده مشروطیت اقدام کنند. بنابراین، با وجود سانسور خبری مقامات دولتی از وقایع تبریز، از اواسط شوال ۱۳۲۶ ق در مجالس برخی شهرها از جمله اصفهان، از وقایع تبریز صحبت شده است (همان، ۲۸ شوال ۱۳۲۶ ق، ش ۱۹: ۱۴).

در برابر نشانه‌های بیداری مردم، محمدعلی شاه از یک سو با وعده برپایی مجلسی مطابق با عادات مردم، طبیعت مملکت و قوانین شرع، سعی در ساکت نگاهداشتن مردم در مقابل اعمال استبدادی خود داشت (کتاب‌آبی، ۱۳۶۲: ۳۳۵/۲)؛ مجلسی که با ترکیب چپش شده، نام «مجلس شورای مملکتی» به خود گرفت. از دیگر سو، دستگاه تبلیغاتی وی، مقاومت اهالی تبریز را اقدامی در جهت به آشوب کشیدن ملت جلوه داده بود؛

به طوری که این تبلیغات در ایرانیان خارج از کشور با کاهش کمک مالی آنان به مردم تبریز تأثیر داشت (حبل المتین کلکته، ۲۶ ذی قعدة ۱۳۲۶ق، ش ۲۳: ۲۴). با این حال، تبلیغات هم نمی توانست بر ناتوانی حکومت استبدادی در اداره کشور سرپوش بگذارد و افزایش ناامنی در شهرهایی چون شیراز و بوشهر، سبب اعتراض مردم به ود (همان، ۱۹ ذی قعدة ۱۳۲۶ق، ش ۲۲: ۱۵).

با همه تلاش های نیروهای دولتی برای ساکت نگه داشتن مشروطه خواهان، گروهی از مردم تهران با حضور روحانیون برجسته در اعتراض به اقدامات مستبدین و حمایت از مشروطه، در اواخر ماه ذی قعدة در سفارت عثمانی و حرم عبدالعظیم تحصن کردند (ناظم الاسلام کرمانی، ۱۳۶۲: ۲۶۶/۴، ۲۶۵). همچنین، در اواخر ذی قعدة نیروهای سید عبدالحسین لاری نیز پس از چندماه درگیری با نیروهای حبیب الله خان قوام، شکست سنگینی بر آنان وارد کردند. مؤید الاسلام با ستایش از سید عبدالحسین، از دیگر روحانیون ایران نیز خواست تا وی را الگو قرار داده و «در صحن مساجد، تفنگ به دوش گرفته، قبل از نماز، مشق جهاد نمایند» (حبل المتین کلکته، ۲۵ ذی حجه ۱۳۲۶ق، ش ۲۶: ۴۳).

اصفهان نیز در ذی حجه علیه حکومت محمدعلی شاه قیام کرد. اعتراضات مردم به اقدامات حاکم اصفهان، اقبال الدوله کاشی و مأموران دولتی، پیش از آن با برخورد قشون دولتی سرکوب می شد (ملک زاده، ۱۳۷۱: ۱۰۸۶/۵). بنابه گزارش حبل المتین، بزرگان و ریش سفیدان بختیاری در ابتدای ذی قعدة در جلسه ای محرمانه تصمیم گرفتند به دلیل بدنامی مقابله با مشروطه خواهان آذربایجان، با حکومت همکاری نکنند (حبل المتین کلکته، ۴ ذی حجه ۱۳۲۶ق، ش ۲۴: ۳) و پس از آنکه حاجی آقا نورالله نجفی، رهبر مشروطه خواهان اصفهان شد، با صمصام السلطنه و ضرغام السلطنه (سران بختیاری ناراضی از محمدعلی شاه) هم پیمان گشت و آنان را به اصفهان دعوت نمود (ملک زاده، ۱۳۷۱: ۱۰۸۶/۵).

جنگ با قشون دولتی در اصفهان، با حمله مردم به سربازان به دلیل بدرفتاری با کسبه بازار، در چهارم ذی حجه آغاز شد و ضرغام السلطنه که با تعدادی از سواران بختیاری به اصفهان رفته بود، با پناهنده شدن اقبال الدوله به کنسولگری اصفهان، بر شهر تسلط یافت و پس از آن، صمصام السلطنه و دیگر سران بختیاری نیز وارد اصفهان شدند (همان: ۱۰۸۹-۱۰۸۶).

گسترش فعالیت مشروطه‌خواهان، دولت روس را به واکنش واداشت تا با محوریت روس‌ها، کنفرانسی مرکب از نمایندگان آن کشور، انگلستان، شاه و مشروطه‌خواهان با هدف بررسی راه‌های ایجاد امنیت در ایران برگزار کند (جبل‌المتین کلکته، ۲ محرم ۱۳۲۷ق، ش ۲: ۲۷). مؤیدالاسلام ضمن نشر این خبر، توجه علمای نجف، رهبران مشروطه، اعضای انجمن ایالتی آذربایجان و انجمن سعادت را به عواقب سوء این کنفرانس در استمراربخشی به حکومت محمدعلی‌شاه و اجازه دخالت کشورهای خارجی در مناقشات داخلی ایران جلب کرد (همان: ۲، ۳).

به‌رغم تلاش استبدادخواهان و کشورهای حامی آنان، انقلاب گسترده‌تر گشت و گیلان نیز در محرم ۱۳۲۷ق علیه حکومت استبدادی به پاخاست. مشروطه‌خواهان در رشت با به قتل رساندن آقابالاخان سردار افخم، حکمران گیلان و تعدادی دیگر از مستبدین، مقر حکومت را تصرف کردند و از سپهدار اعظم خواستند تا با رفتن به رشت حاکم گیلان شود (شریف‌کاشانی، ۱۳۶۲: ۳۸۹/۱). انقلاب خراسان نیز که از اواخر ذیحجه از دره‌جز (دره‌گز فعلی) شروع شده بود، گسترش بیشتری یافت و آنان محمداقا حسین‌زاده، سردار مجاهدین را ستارخان شرق لقب داده بودند (جبل‌المتین کلکته، ۲۳ محرم ۱۳۲۷ق، ش ۴: ۲۹).

بدین ترتیب، «یک تبریز ده تبریز شده دولتیان را دست‌وپاگم گردیده». جبل‌المتین برای آماده شدن نیروهای انقلابی جهت فتح تهران، به صمصام‌السلطنه پیشنهاد کرده بود که با حرکت کوتاهی به سوی تهران، نیروهای دولتی را به تجمع در تهران وادار کند (همان: ۲)؛ زیرا به نظر مؤیدالاسلام: «امروز وقت کردار است؛ نه موقع گفتار» (همان، ۳۰ محرم ۱۳۲۷ق، ش ۱: ۳۰).

مقامات دولتی که از قوت یافتن فعالیت مشروطه‌خواهان احساس نگرانی کرده بودند، در ابتدای صفر با هدف ترساندن مردم (همان، ۸ صفر ۱۳۲۷ق، ش ۳۱: ۲۱)، چندتن را به جرم حمل نارنجک و بمب در تهران دستگیر نمودند و یک نفر را اعدام کردند (ناظم‌الاسلام کرمانی، ۱۳۶۲: ۳۰۴/۵). این اقدام، سبب بسته شدن بازار و پیوستن اغلب بازاریان به متحصنان حرم عبدالعظیم شد؛ به نحوی که تعداد متحصنان به هفت هزار نفر رسید (جبل‌المتین کلکته، ۲۷ ربیع‌الأول ۱۳۲۷ق، ش ۳۸: ۱۰).

اگرچه انقلاب در مناطق دیگر ایران گسترش یافته بود، اما نیروهای انقلابی به علت امکان دخالت بیگانگان، از حرکت به سوی تهران خودداری می‌کردند. مؤیدالاسلام، این

ترس انقلابیون را ناشی از علم نداشتن بر قدرت مادی و معنوی خود می‌دانست (همان، ۸ صفر ۱۳۲۷ ق، ش ۳۱: ۱). باور وی به قدرت و پیروزی نهایی مشروطه‌خواهان، به حدی بود که به تلاش‌ها برای میانجی‌گری به شدت اعتراض داشت؛ برای مثال، میرزا رضاخان ارفع‌الدوله، سفیر وقت ایران در عثمانی، در ماه صفر با انجمن سعادت مذاکره کرد و برای علمای نجف با هدف میانجی‌گری تلگراف فرستاده بود (دولت‌آبادی، ۱۳۷۱: ۶۹/۳-۷۲). مؤیدالاسلام با اعتراض به ارفع‌الدوله، هدف وی را سست کردن مشروطه‌خواهان می‌دانست (حبل‌المتین کلکته، ۱۳ ربیع‌الأول ۱۳۲۷ ق، ش ۳۶: ۱-۴). در واقع، از نظر او، مجلس را تنها باید با قوه قهریه گرفت و صلح با محمدعلی‌شاه، مانع از پیشبرد امور بود (افشار، ۱۳۵۹: ۲۸۱). همچنین، افزایش آرایی نظیر تقسیم ایران به چند کشور کوچک‌تر و اداره آن به صورت «جمهوری ممالک متحده» (حبل‌المتین کلکته، ۱۵ صفر ۱۳۲۷ ق، ش ۳۱: ۱) توسط جوانان مشروطه‌خواه ایرانی در خارج از کشور (افشار، ۱۳۵۹: ۲۶)، سبب شد تا مؤیدالاسلام خطر هرج‌ومرج و ملوک‌الطوائفی شدن مملکت را به نیروهای انقلابی گوشزد کند و تأکید بر پس‌گرفتن هرچه سریع‌تر مشروطه با «قوای قاهره ملی» داشته باشد (حبل‌المتین کلکته، ۲۹ صفر ۱۳۲۷ ق، ش ۳۴: ۱، ۲).

در آن شرایط، دربار علاوه بر تبلیغ ضد مشروطه‌خواهان، به دنبال استقرار از روسیه به هر نحو ممکن بود؛ تا به وسیله آن، مشروطه‌خواهان را سرکوب کند (همان، ۸ صفر ۱۳۲۷ ق، ش ۳۱: ۴، ۵). مشروطه‌خواهان خارج نیز جهت جلوگیری از استقرار، میرزا عبدالعلی موبد بیدگلی را با نام ساختگی میرزا علی آقا مجتهد، با هدف برانگیختن افکار عمومی روسیه علیه اقدامات مستبدین و طرف‌داران روسی آنان، به عنوان نماینده علمای نجف به مجامع روسیه معرفی کردند (نوابی، ۱۳۵۵: ۹۰). میرزا علی آقا آن قدر در مأموریت ساختگی خود موفق بود که با حضور در مجالس مختلف، تلاش‌های اطرافیان شاه چون شاپشال و غیره را در پترزبورگ، نقش بر آب می‌کرد (حبل‌المتین کلکته، ۱۵ صفر ۱۳۲۷ ق، ش ۳۲: ۸).

در این مقطع، تنها منبع درآمدی دولت، عایدات گمرک خلیج فارس بود. به همین دلیل، مشروطه‌خواهان داخل در جهت فشار بیشتر به حکومت به دنبال قطع آن بودند. بنابراین، نیروهای لارستان به رهبری سید مرتضی اهرمی به نمایندگی از سید عبدالحسین لاری در اوایل ربیع‌الأول به بوشهر (وثوقی، ۱۳۷۵: ۱۳۷) وارد شدند. این خبر از نظر مؤیدالاسلام

اهمیت ویژه‌ای داشت و فتح بنادر و به طور خاص، بوشهر را از انقلاب در شیراز، اصفهان و خراسان مهم‌تر می‌دانست (جبل‌المتین کلکته، ۶ ربیع‌الأول ۱۳۲۷ق، ش ۳۵: ۲۲). همچنین، هم‌زمان جبل‌المتین از نطق سر ادوارد گری، وزیر خارجه انگلستان، مبنی بر عدم دخالت نظامی انگلستان و روسیه در ایران خبر داد. از این رو، مؤیدالاسلام بر مواضع خود پافشاری کرد و از سپهدار و صمصام‌السلطنه درخواست فتح سریع تهران را داشت (همان: ۱، ۲).

اما عدم اقدام به موقع انقلابیون در جهت یکسره کردن کار استبداد، سبب وضعیت اسفناک فقرای تبریز در اواسط ربیع‌الأول بود. آنان بر اثر جنگ و محاصره، نابودی زراعت و کسب‌وکارشان شرایط سختی داشتند؛ به نحوی که ساکنان تبریز اگر جنگ را ادامه می‌دادند، هزاران نفر از گرسنگی تلف می‌شدند و اگر خود را تسلیم می‌کردند، ده‌هزار نفر قتل‌عام می‌گشتند (همان، ۲۰ ربیع‌الأول ۱۳۲۷ق، ش ۳۷: ۳). دولت حتی به کنسولگری‌های خارجی اجازه ورود آذوقه به شهر را نمی‌داد؛ ولی دولت روس تهدید به وارد کردن آذوقه کرده بود (کتاب‌آبی، ۱۳۶۲: ۴۸۵/۲-۴۸۷). مدیر جبل‌المتین بر این نظر بود که روس‌ها به بهانه وارد کردن آذوقه، سعی در ورود قشون به تبریز داشته‌اند. تحلیل مؤیدالاسلام این بود که شرایط اسفناک تبریز، ناشی از تعلل آزادیخواهان گیلان و اصفهان بود و بر آنان خرده می‌گرفت که چرا در قبال وضعیت اهالی تبریز سکوت کرده بودند؟ (جبل‌المتین کلکته، ۲۰ ربیع‌الأول ۱۳۲۷ق، ش ۳۷: ۴)

۳-۲. از دخالت قوای بیگانه در ایران تا اعلان مجدد مشروطیت و عفو عمومی (میان‌ه ربیع‌الأول ۱۳۲۷ق تا ربیع‌الثانی)

با وجود هشدارهای جبل‌المتین به مشروطه‌خواهان در مورد بهانه ندادن به بیگانگان برای دخالت در امور کشور، غارت کالاهای تجار انگلیسی در بوشهر توسط تنگستانی‌ها سبب شد در میان‌ه ربیع‌الأول ۱۳۲۷ق نیروی دریایی انگلیس با پیاده شدن در ساحل، کنترل شهر را به دست گرفته و تنگستانی‌ها را بیرون کنند (همان، ش ۳۷: ۲۴). اگرچه غارت اموال اتباع خارجی از نظر جبل‌المتین مذموم بود، اما آن را دلیل موجهی برای افزایش نیروهای انگلیسی به بهانه محافظت از کنسولگری نمی‌دانست. بدین ترتیب، روس‌ها نیز به خود اجازه دخالت در خراسان را دادند و حتی اعلام کردند جهت محافظت از سفارتشان، در تهران

۲۰. مطالعات تاریخی جهان اسلام

سال هفتم، شماره ۱۳، بهار و تابستان ۱۳۹۸

نیز نیرو وارد می‌کنند. با این شرایط، عثمانی نیز اقدام به افزایش محافظان سفارتش نمود. (همان، ۲۷ ربیع‌الأول ۱۳۲۷ق، ش ۴: ۳۸).

ورود قشون بیگانگان به کشور در نتیجه بدعملی برخی از منسوبان به مشروطه‌خواهان و وخیم‌تر شدن اوضاع مردم در تبریز در ربیع‌الثانی به نقل از تلگرافات رویتر، مؤیدالاسلام را به سرزنش انقلابیون واداشت که نه تنها با حمله نکردن به تهران موفق به دور کردن مستبدین از تبریز نشدند، بلکه کمک مالی مناسبی هم به اهالی تبریز نداشتند (همان، ۵ ربیع‌الثانی ۱۳۲۷ق، ش ۱: ۳۹). وی با نگرانی از افزایش دخالت کشورهای خارجی، گناه این امر را به گردن رفتار اشتباه بوشهری‌ها انداخت و از اهالی بوشهر می‌خواهد با برپایی انجمن ایالتی و ضمانت جان و مال اتباع خارجی، از نیروهای دریایی انگلیس بخواهند از شهر خارج شوند (همان: ۱۸). او دلیل عدم اقدام به موقع ایرانیان را نداشتن برنامه ملی و یک مرکز مورد قبول همه گروه‌ها می‌دانست (همان، ۱۲ ربیع‌الثانی ۱۳۲۷ق، ش ۲: ۴۰).

از سوی دیگر، علمای نجف نیز در ربیع‌الثانی ۱۳۲۷ق برای سومین بار، پس از رمضان و شوال ۱۳۲۶ق، با تمامی دولت‌ها، پارلمان‌ها و مجلس صلح لاهه^۱ اتمام حجت نمودند و از آنها درخواست کردند تا روسیه و انگلیس را از دخالت در امور ایران باز دارند؛ وگرنه علمای مسلمان از آخرین حربه خود استفاده کرده، متجاوزان به خاک ایران را تنبیه خواهند کرد (همان، ۴ جمادى‌الأول ۱۳۲۷ق، ش ۴: ۴۳، ۵).

تلاش‌های مشروطه‌خواهان داخل و خارج و فشارهای علمای نجف، سبب شد تا شاه در میانه ربیع‌الثانی، دستخطی مبنی بر اعلان مجدد مشروطیت صادر کند و در هجدهم و بیستم همان ماه نیز آن فرمان را تکرار کرد (شریف‌کاشانی، ۱۳۶۲: ۱/۳۰۵، ۳۰۱). همچنین، وی برای نشان دادن حسن نیت، امیربهدادر و میرزا احمدخان مشیرالسلطنه (وزیراعظم) را عزل کرد و سعدالدوله، رئیس کابینه جدید، تلگرافی مبنی بر اشتغال مجلس شورای دولتی جهت ترتیب و انتشار نظامنامه انتخابات به نمایندگان کشورهای خارجی

۱. در قرن هجدهم، دولت‌های مختلف برای یافتن راه‌حل مشکلات جهانی گرد هم جمع می‌شدند. به پیشنهاد تزار نیکلای دوم، با تشکیل کنفرانس صلح لاهه در ۱۸۹۹م، این رسم احیا شد (کلینار، ۱۳۶۸: ۱/۸۵، ۸۶). میرزاحسان ارفع‌الدوله، نماینده ایران در کنفرانس ۱۸۹۹م بود (مستوفی، ۱۳۸۴: ۱۰۸/۲). این کنفرانس، برای بار دوم در ۱۹۰۷ تشکیل شد و عبدالصمدخان ممتازالسلطنه، نماینده ایران بود (برای اطلاع از مذاکرات مجلس صلح عمومی لاهه در ۱۹۰۷، ر.ک: حبل‌المتین کلکته، ۳۰ رجب - ۶رمضان ۱۳۲۵ق، شماره‌های ۱۳۸).

فرستاد؛ اما به نظر مؤیدالاسلام، دولت قصد ایجاد مشروطیت جدیدی داشت و به دنبال تغییراتی در قانون اساسی بود و هدف اعلان مجدد مشروطیت را پراکندگی قوای مشروطه‌خواهان و ایجاد فرصت جهت تقویت جبهه استبدادطلبان می‌دانست (همان، ۲۶ ربیع‌الثانی ۱۳۲۷ق، ش ۴۲: ۱، ۲).

۴-۲. از عفو عمومی تا تصمیم به فتح تهران (اواخر ربیع‌الثانی تا اواخر جمادی‌الأول)

در این مقطع، رفتار دوگانه حکومت استبدادی، بیش از پیش نمایان شد و در نهایت، مشروطه‌خواهان را به اقدام نهایی واداشت. متحصنان در سفارتخانه عثمانی که از ذی‌قعدة ۱۳۲۶ق در آن به سر می‌بردند، با اعلام عفو عمومی که در ۱۸ ربیع‌الثانی صادر شده بود، در ۲۲ ربیع‌الثانی از سفارت خارج شدند (ناظم‌الاسلام کرمانی، ۱۳۶۲: ۴۰۵/۵)؛ اما نیروهای مستبدین در فارس به فرماندهی محمدعلی خان نصرالدوله، ۱ به‌ظاهر جهت سرکوب شورش‌های نیریز و در واقع با دستور مستقیم محمدعلی شاه به لارستان حمله کردند. نیروی مستبدین سه روز شهر را به توپ بستند و شانزده روز مردم را مورد قتل و غارت قرار دادند (وثوقی، ۱۳۷۵: ۱۴۷-۱۴۹). بدین ترتیب، بر همگان روشن گشت که حتی عفو عمومی نیز سبب نشده تا مستبدین دست از قتل و غارت مردم بردارند (جبل‌المتین کلکته، ۱۱ جمادی‌الأول ۱۳۲۷ق، ش ۴۴: ۸).

مؤیدالاسلام با اشاره به همین رفتار متناقض حکومت، در جمادی‌الأول ۱ ۳۲۷ق اوضاع ایران را به «شتر گربه» تشبیه کرد. دولت از یک طرف اعلان مشروطه و انتخابات می‌داد و از طرف دیگر، بدون تشکیل مجلس، به دنبال استقراض از روسیه بود (همان، ۴ جمادی‌الأول ۱۳۲۷ق، ش ۴۳: ۱). بنا بر گزارش جبل‌المتین، علما و مردم، فرمان مجدد مشروطیت را در واقع همان مشروعه شیخ‌فضل‌الله می‌دانستند که به آن راضی نخواهند شد (همان: ۷). به همین جهت، علمای نجف در یک حکم تلگرافی، «استقرار مشروطیت اولیه و اجرای قانون اساسی و متمم آن بدون تحریف [را] واجب و مخالفت [با آن را] حرام» اعلام کردند (همان: ۸). مؤیدالاسلام تأکید داشت که باید قوای ملی را در مناطق مختلف حفظ کرد (همان، ۱۱ جمادی‌الأول ۱۳۲۷ق، ش ۴۴: ۲، ۳).

علمای نجف در جمادی‌الثانی ۱۳۲۷ در پاسخ تلگراف شاه که خواستار تأیید فرمان مجدد

مشروطیت از سوی علما بود، تنها صدور دستخط مشروطیت را کافی ندانستند و اقداماتی چون: تنبیه مفسدان، خروج قشون بیگانه و تحویل قوای مملکت به وزرای مسئول را از شاه خواستار شدند (همان، ۲ جمادی الثانی ۱۳۲۷ ق، ش ۴۷: ۱). مؤیدالاسلام هم که در اواخر جمادی الأول، هم‌زمان با اجازه ورود نشریه حبل‌المتین به کشور (همان، ۲۵ جمادی الأول ۱۳۲۷ ق، ش ۴۶: ۱۵)، نسبت به محمدعلی شاه نرزش نشان می‌داد و برخلاف گذشته که او را با القابی چون جوان مصروع نامیده بود (همان، ۳۰ رمضان ۱۳۲۶ ق، ش ۱۵: ۲۴)، به یکباره تغییر موضع داده بود و حتی اعمال ضد مشروطه شاه را به اغوای درباریان نسبت می‌داد (همان، ۲۵ جمادی الأول ۱۳۲۷ ق، ش ۴۶: ۷). با حکم قاطعانه علمای نجف، با آنان همراهی کرد و بر این نظر بود که: «فعلی در میان نبوده و آنچه دیده می‌شود، لفظ است و بس» (همان، ۲ جمادی الثانی ۱۳۲۷ ق، ش ۴۷: ۱، ۲). مردم و علما نیز باور به اتمام کار نداشتند و به نظر آنان هیچ چیز از استبداد کم نشده و شرایط همچنان مانند گذشته بود (همان: ۱۰، ۱۱).

۵-۲. فتح تهران (جمادی الثانی ۱۳۲۷ ق)

عقب‌نشینی تاکتیکی اردوی سپهدار از دروازه تهران که با هدف فتح تهران اقدام کرده بود، نقاب مشروطه‌خواهی را از رفتار درباریان برداشت. نیروهای دولتی که با استقراض از روسیه، تنها به فکر برپایی قشون و برخورد با مشروطه‌خواهان بودند (همان، ۱۶ جمادی الثانی ۱۳۲۷، ش ۱: ۲، ۳)، از اواخر جمادی الأول با ارسال توپ و قشون به دروازه قزوین آماده برخورد با قوای مشروطه‌خواهان بودند (ناظم‌الاسلام کرمانی، ۱۳۶۲: ۴۴۲/۵). در واقع، بنابه نظر حبل‌المتین، صلح با درباری که پُر از روس‌ها و ایرانیان حامی روسیه بود، کاری بیهوده به شمار می‌رفت (حبل‌المتین کلکته، ۱۶ جمادی الثانی ۱۳۲۷ ق، ش ۱: ۲۲). بنابراین، علمای نجف و سرداران ملی، به فتح تهران تصمیم گرفتند. مؤیدالاسلام نیز به سرداران ملی هشدار داد که در آن موقع نباید از بیگانگان ترسی داشته باشند و فریفته وعده‌های آنان شوند؛ زیرا ساده‌لوحی، فریب خوردن از بیگانگان و ترس از آنان، مسبب همه اتفاقات بوده است (همان: ۲۲، ۲۳). وی برخلاف برخی که درگیری و جنگ را مانع پیشرفت می‌دانستند، بر این نظر بود که آن زمان بهترین فرصت برای رشد ایرانیان است. او نوشت: «هر قوم و ملتی تا در احقاق حقوق ملی دست به شمشیر ننمود،

پای‌تقدم در میدان ترقی پیش نگذارد» (همان، ۲۳ جمادی‌الثانی ۱۳۲۷ق، ش ۲:۲). با حرکت نیروهای بختیاری به رهبری سردار اسعد به طرف تهران، عملاً تصمیم نهایی گرفته شد. در ۲۵ جمادی‌الثانی ۱۳۲۷ق، مجاهدین از شمال و سپاه بختیاری از جنوب وارد تهران شدند و پس از چند روز جنگ، در ۲۷ جمادی‌الثانی مشروطه‌خواهان پیروز گشتند و محمدعلی‌شاه به سفارت روسیه پناه برد و استبداد صغیر پایان یافت.

۳. جبل‌المتین و موانع اطلاع‌رسانی اخبار استبداد صغیر

پس از پایان استبداد صغیر و تشکیل مجدد مجلس شورای ملی، نمایندگان مجلس دوم، در اولین جلسه خود از تمامی گروه‌ها، اقشار و اشخاصی که به نوعی در اعاده مشروطیت نقش و اثر داشتند، قدردانی کردند. آقا سید حسین اردبیلی، نماینده مردم خراسان، از تمام مطبوعاتی که باعث جلب افکار اروپاییان به اوضاع ایران شدند، تشکر کرد. او به طور خاص، از نشریه جبل‌المتین کلکته سپاسگزاری کرد که: «روز و شب با یک مجاهدت فداکارانه، حواس احرار ایرانیان داخله و خارجه را به وسیله مکاتبات و مخابرات مخصوصه، به یک نقطه مهم متوجه ساخت که تاریخ آزادی ایران هیچ‌وقت آن مساعی و تشبثات وطن‌پرستانه را فراموش نخواهد کرد» (همان، ۱۹ محرم ۱۳۲۸ق، ش ۲۸:۲۰). قدردانی و تشکر ویژه نمایندگان مجلس از جراید، مخصوصاً جبل‌المتین، نمودار اثرگذاری خاص آن و نقش مهم جبل‌المتین، در اطلاع‌رسانی اخبار بوده است.

بیشتر صفحات جبل‌المتین در دوره استبداد صغیر، دربرگیرنده اخبار مربوط به ایران و فعالیت ایرانیان است. اخبار جبل‌المتین در این باره، تنوع بسیار و گستره خبری وسیعی دارد. هر اقدامی از سوی مشروطه‌خواهان در سراسر جهان، در آن نشریه به نحوی انعکاس یافته است. دست‌اندرکاران این نشریه، علاوه بر انعکاس اقدامات مشروطه‌طلبان در تمامی نقاط ایران، از تهران تا دره‌گز خراسان، اقدامات مخالفان مشروطه و مستبدین را نیز ذکر کرده‌اند. یکی از موارد مهم در اطلاع‌رسانی اخبار، انتشار به‌موقع خبر و اطلاع مخاطبان از آن است. با بررسی اخبار جبل‌المتین در این دوره، تأخیر در انتشار اخبار به‌روشنی دیده می‌شود. گاهی اخبار با توجه به بُعد مسافت منشأ خبر از اداره نشریه، با تأخیری حتی دوماهه به چاپ رسیده است. چاپ تلگرافات رویت‌ر در نشریه، تأخیر بسیار کمتری دارد؛ ولی مکتوبات خبری و گزارشات وقایع‌نگاران اداره، دارای بیشترین تأخیر در چاپ بودند. این امر با توجه به

شرایط آن زمان که هرروز آستن رویداد جدیدی بود، می توانست بر کنشها و واکنشها تأثیر بگذارد. البته دست اندرکاران نشریه، همه اخبار را با قید زمان ارسال خبر، منتشر می کردند تا خوانندگان خود را در خصوص فاصله زمانی رویداد تا انتشار خبر مطلع سازند. با توجه به شرایط آن زمان، تأخیر در توزیع نشریه نیز وجود داشته است. طریقه توزیع جبل المتین در داخل کشور، در این دوره با توجه به سختگیریها و جو آختناق به طور دقیق مشخص نیست. به نظر می رسد که توزیع نشریه از طریق پست، محتمل ترین گزینه می تواند باشد. شهری مانند تبریز نیز به جز مقاطعی که به شدیدترین صورت محاصره می شده، در زمانهای دیگر از نظر پست مشکل نداشت و به گواه ناظران، امکان تبادل محموله های پستی بوده است (جورابچی، ۱۳۸۶: ۱۶۵). روزنامه های خارج از کشور، از جمله جبل المتین، مابین مرسولات پستی و احتمالاً محموله های بازرگانی، به داخل کشور منتقل و دست به دست می گشتند (کهن، ۱۳۶۲: ۴۳۴/۲).

توزیع نشریه در شهرها با توجه به بُعد مسافت، با تأخیر همراه بوده است؛ برای مثال، وقایع نگار جبل المتین در ۱۸ صفر ۱۳۲۷ ق گزارش داده که این نشریه تا شماره ۲۷ در میان مردم خراسان توزیع شده (جبل المتین کلکته، ۱۳ ربیع الأول ۱۳۲۷ ق، ش ۳۶: ۲۱)؛ در حالی که تا زمان ارسال گزارش، ۳۲ شماره و تا زمان چاپ آن، ۳۶ شماره از جبل المتین منتشر شده بود. با این اوصاف، اخبار جبل المتین «اثرات کافیه در قلوب احرار و عامه ملت» داشت (همان). همچنین، شواهدی نشان می دهد که جبل المتین توسط شاه نیز مطالعه می شد (همان: ۱۳).

۱-۳. منابع خبری جبل المتین کلکته

منابع خبری جبل المتین را با توجه به شماره های چاپ شده این نشریه در این دوره، می توان به چند دسته تقسیم کرد:

۱. مطالبی که توسط وقایع نگاران نشریه نوشته و برای آن ارسال شده است؛
۲. تلگرافات عمومی شامل تلگرافاتی که بین افراد یا گروه های مردمی ردوبدل می شده و ارسال کننده یا مخاطب خاصی نداشته است؛ مانند تلگراف تبریز به اصفهان. برخی از این گونه تلگرافات، مخاطب و ارسال کننده خاصی داشت و برای اطلاع دیگران در نشریه چاپ شده است؛ برای مثال، تلگراف صمصام السلطنه به فرمانفرما؛

۳. تلگراف‌های مخصوص که شامل تلگرافاتی بوده که اختصاصاً به اداره جبل‌المتین ارسال شده و حاوی خبر یا درخواستی بوده است؛
۴. اخباری که به نقل از روزنامه‌های خارجی و تلگرافات رویتر در جبل‌المتین چاپ شده است. استفاده از این منبع خبری، بیش از دیگر موارد بود.
۵. لایحه، حکم، اعلان و پروتست نیز از دیگر منابع خبری نشریه بود.
۶. مکتوبات هم از جمله منابع خبری جبل‌المتین بوده که خود به دو دسته خبری و غیرخبری تقسیم می‌شوند. مکتوبات خبری، آن دسته از مکتوباتی است که شاهدان وقایع، خبر از واقعه‌ای داده‌اند و چون تنها برای جبل‌المتین فرستاده شده‌اند، حاوی اخبار خاصی بودند که معمولاً در منابع دیگر یافت نمی‌شود. مکتوب غیرخبری هم مکتوبی است که احساسات و نظرات نویسنده آن را نسبت به وقایع نشان می‌دهد و منبع مناسبی برای تحلیل افکار عامه در آن دوره است.

بررسی اخبار منتشره در جبل‌المتین نشان می‌دهد که ناشران نشریه اگرچه اخباری از منابع دیگر چون تلگرافات رویتر یا روزنامه‌های خارجی به دست می‌آوردند، اما به دنبال این بودند تا آن را با اطلاعات دیگری چون تلگرافات مخصوص اداره جبل‌المتین، مکتوبات خبری و گزارشات وقایع‌نگاران نشریه مورد سنجش قرار دهند و حتی اگر وقایع‌نگاران اداره، خبری اشتباه را منتشر می‌کردند، در اولین شماره پس از انتشار آن، از خوانندگان خود عذرخواهی می‌نمودند و منبع خبری خود را ملزم به سنجش صحت و درستی خبر می‌کردند.

۲-۳. فراوانی اخبار استبداد صغیر در مناطق داخل کشور در جبل‌المتین

با بررسی شماره‌های چاپ‌شده جبل‌المتین در دوره استبداد صغیر و شمارش اخبار بر اساس منابع خبری پیش‌گفته، اطلاعات نشریه از فعالیت‌های مشروطه‌خواهان و مستبدین در مناطق مختلف ایران را می‌توان به صورت جدول شماره یک ذکر کرد.

جمع بندی اخبار	مکتوبات خبری	لاجه، حکم، اعلان و پروتست	تلگرافات رویترو... و ...	نقل از روزنامه های خارجی	تلگراف مخصوص اداره	تلگراف عمومی	وقایع نگار حبل المتین	
۴۲۹	۱	۱۱	۱۲۴	۲۶۲	۲	۲۹	۰	تبریز
۳۷۳	۴	۱	۱۱۶	۲۰۶	۳	۳۳	۱۰	تهران
۱۱۹	۷	۴	۷	۶۸	۲	۲۲	۹	اصفهان
۶۲	۲	۱	۸	۳۹	۱	۵	۶	گیلان
۴۹	۲	۸	۵	۱۸	۳	۵	۸	خراسان
۳۳	۳	۱	۸	۵	۰	۶	۱۰	فارس
۸۱	۹	۱	۱۳	۲۰	۳	۱۷	۱۸	نقاط دیگر ایران

جدول یک: فراوانی اخبار حبل المتین از فعالیت های دوران استبداد صغیر در داخل کشور

بر اساس منابع خبری

حضور و فعالیت وقایع نگار مخصوص نشریه در برخی نقاط، سبب شد تا اخبار مخصوص بیشتری از آن منطقه در حبل المتین به چاپ رسیده باشد؛ برای مثال، در گیلان، ابوذر، وقایع نگار حبل المتین، اخبار را در سال های مشروطه به نشریه مخابره می کرد و خود از فعالان جنبش در انزلی بود (فخرایی، ۱۳۷۱: ۱۱۵). البته پس از چاپ مجدد حبل المتین تهران در رشت توسط میرزا حسن کاشانی، حبل المتین کلکته اخبار خود را از این منطقه به نقل از حبل المتین رشت آورده است. همچنین، ارتباط بیشتر میان فارس و هند نیز به نوعی سبب گشت تا گزارشات بیشتری از وقایع نگاران نشریه، از این منطقه باشد.

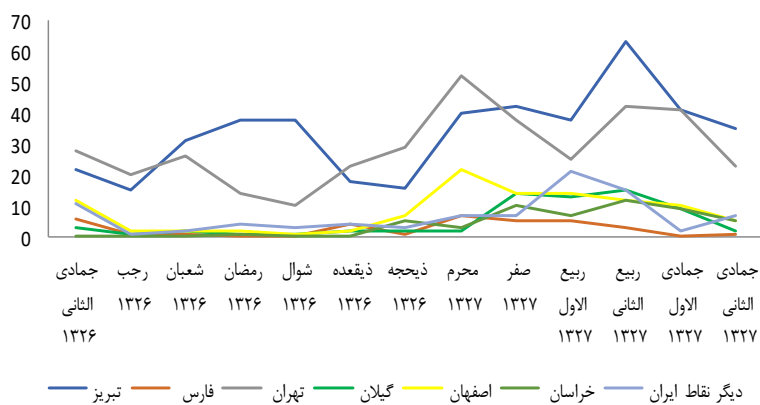
تبریز گرچه بیش از نقاط دیگر در صدر اخبار حبل المتین است، اما با مقایسه اخبار حبل المتین در باره تبریز و دیگر منابعی که مورد استفاده در این پژوهش بودند، می توان گفت در میان آن اخبار، خبری یگانه و منحصر به فرد که مخصوص حبل المتین باشد، دیده نشده است. دوری تبریز از هند به نسبت دیگر نقاط ایران، عدم حضور وقایع نگار مخصوص اداره حبل المتین در آن شهر، چاپ نشریاتی چون: ناله ملت، انجمن در تبریز و شمس در اسلامبول که مهم ترین رسالت خود را انتشار اخبار مقاومت تبریز می دانستند و همچنین، کمبود و مسدود شدن راه های ارتباطی تبریز با دیگر شهرها، به طوری که بسیاری از ارتباطات

آنها تنها با انجمن سعادت بود، همگی مواردی است که سبب شد اخبارِ جبل‌المتین از این منطقه، با توجه به منابع دیگر، منحصربه‌فرد نباشد.

البته باید در نظر داشت که پژوهشگران در پژوهش‌های امروز، امکان تطابق منابع مختلف از جمله کتاب‌ها و نشریات گوناگون را دارند؛ درحالی‌که در آن زمان، بسیاری از ایرانیان تنها منبع خبری‌شان، جبل‌المتین بود. وقایع‌نگار جبل‌المتین در تهران، از بی‌اطلاعی و عدم دسترسی به اخبار آزادی‌خواهان خبر داده است و گزارش کرده که با توجه به جو استبدادی آن روز، حتی تلگرافات رویت‌حق انتشار نداشتند (جبل‌المتین کلکته، ۲۱ شوال ۱۳۲۶ ق، ش ۱۸: ۳) و درحالی‌که در تهران تنها از طرف مخالفان مشروطه، شب‌نامه‌ها منتشر می‌شد، بنابراین نقل اخبار نقاط مختلف در جبل‌المتین، ضروری به نظر می‌رسید. بدون شک، ارائه این اخبار در اطلاع‌کانون‌های مقاومت در ایران و گسترش ارتباطات فرامرزی تأثیرگذار بوده است.

همچنین، ترجمه و چاپ اخبار ایران از روزنامه‌های خارجی و تلگرافات رویت‌حق در باره تلاش‌های ایرانیان برای اعاده مشروطیت، آرشو کاملی از بازتاب جهانی این رویداد در اختیار پژوهشگران گذاشته است. نقل از آن دسته از روزنامه‌های داخلی که شاید به دست ما نرسیده باشند هم می‌تواند راهگشای پژوهشگران گردد.

با توجه به شمارش فراوانی اخبار مناطق مختلف در شماره‌های چاپ‌شده جبل‌المتین در دوره استبداد صغیر، به تفکیک ماه انتشار اخبار می‌توان نموداری بدین صورت ترسیم کرد:



نمودار شماره یک: فراوانی جمع‌آوری اخبار جبل‌المتین از مناطق مختلف ایران به صورت ماهانه در دوران استبداد صغیر

همچنین، اخبار حبل‌المتین درباره فعالیت‌های ایرانیان در داخل کشور را می‌توان بر اساس مقاطع استبداد صغیر که پیش از این اشاره شد، به صورت جدول شماره دو مشخص کرد:

مجموع	فتح تهران (ش ۴۷/س ۱۶-ش ۲/س ۱۷)	از عفو عمومی تا تصمیم به فتح تهران (ش ۴۲-ش ۴۶)	از دخالت قوای بیگانه در ایران تا اعلان مشروطیت (ش ۳۷-ش ۴۱)	از نسخ مشروطیت تا ورود قوای بیگانه به ایران (ش ۱۹-ش ۳۶)	از به توب بستن مجلس تا نسخ مشروطیت (ش ۱-ش ۱۸)	
۴۲۹	۳۴	۴۷	۸۹	۱۳۷	۱۲۲	تبریز
۳۷۳	۲۳	۵۰	۵۴	۱۵۲	۹۴	تهران
۱۱۹	۵	۱۵	۱۶	۶۶	۱۷	اصفهان
۶۲	۲	۸	۲۱	۲۳	۸	گیلان
۴۹	۴	۱۲	۱۳	۱۹	۱	خراسان
۳۳	۱	۲	۱	۲۱	۸	فارس
۸۱	۶	۶	۲۴	۲۹	۱۶	دیگر نقاط ایران

جدول شماره دو: فراوانی اخبار حبل‌المتین از فعالیت‌های ایرانیان در دوران استبداد صغیر بر اساس مقاطع مختلف زمانی آن دوره

اگر تأخیر انتشار اخبار در حبل‌المتین در نظر گرفته شود، بر اساس نمودار شماره یک و جدول شماره دو، چنین می‌توان نتیجه گرفت: در مقطع اولیه استبداد صغیر که تا زمان اعلان نسخ مشروطیت در ۲۴ شوال ۱۳۲۶ ق شامل می‌شد، اخبار کمی از فعالیت‌ها در دیگر نقاط ایران در حبل‌المتین به چاپ رسیده است. گویی سکوتی کل کشور را در بر گرفته بود. تنها اخبار تبریز، این سکوت را بر هم می‌زده است. البته اخبار تهران نیز در مقطع اولیه، آمار بالایی نسبت به دیگر مناطق دارد که این، با توجه به پایتخت بودن تهران و فعالیت

مستبدین بوده است.

فعالیت‌های مشروطه‌خواهان از ماه ذی‌قعدة ۱۳۲۶ق به بعد، با توجه به از بین رفتن اعتماد و خوش‌بینی سابق به شاه، در نقاط دیگر ایران نیز کم‌کم آغاز شده بود و به تبع آن، مستبدین در مقابل آنان نیز فعالیت می‌کردند. با وجود گسترش مبارزه در سراسر کشور و اطلاع‌رسانی نشریه در باره آنان در این مقطع، با توجه به اهمیت مقاومت اهالی تبریز، از تعداد اخبار مربوط به تبریز کاسته نشد.

روند فعالیت مشروطه‌خواهان و مقابله مستبدین با آنان در کل کشور بر اساس اخبار منتشره در حبل‌المتین، تا ربیع‌الثانی ۱۳۲۷ق روند افزایشی داشت؛ اما در نیمه دوم ربیع‌الثانی با انتشار اعلان مجدد مشروطیت، گویی کم‌کم فعالیت ایرانیان با سکوتی توأم با بدبینی و انتظار همراه شد و روند کاهشی یافت. البته با توجه به ورود قشون روسیه به تبریز در همان زمان، اخبار این شهر بیشترین آمار را در حبل‌المتین نسبت به دیگر مناطق ایران در همان مقطع داشته است. با تصمیم سرداران ملی و علمای نجف جهت فتح تهران در اواخر جمادی‌الأول ۱۳۲۷ق، آمار فعالیت مناطق انقلابی به دلیل حضور نیروهایشان در فتح تهران کمتر شد.

۳-۳. فراوانی اخبار فعالیت‌های خارج از کشور در حبل‌المتین

حبل‌المتین علاوه بر ارائه اخبار داخل، از فعالیت‌های ایرانیان مقیم دیگر کشورها و خارجیان در کمک‌رسانی، همدلی و همسویی با آزادیخواهان داخلی نیز اطلاعاتی درخور دارد. شمارش این‌گونه اخبار نیز بر اساس منابع خبری نشریه در جدول شماره سه به شرح ذیل است.

۳. مطالعات تاریخی جهان اسلام

سال هفتم، شماره ۱۳، بهار و تابستان ۱۳۹۸

جدول سه: فراوانی اخبار جبل‌المتین از فعالیت‌های فرامرزی ایرانیان و خارجیان در دوره استبداد صغیر بر اساس منابع خبری

مجموع اخبار	مکتوبات غیر خبری	مکتوبات خبری	لا یجبه، حکم، اعلان و پروتست	تلگرافات رویتز و ...	نقل از روزنامه‌های خارجی	تلگراف مخصوص اداره	تلگراف عمومی	وقایع نگار جبل‌المتین	
۱۱۱	۱	۹	۸	۰	۰	۰	۹۱	۲	عراق
۷۴	۲	۳	۰	۱۵	۴۰	۳	—	۱۱	اروپا
۶۹	۹	۸	۶	۴	۱۳	۶	۱۸	۵	قفقاز و استانبول
۲۶	۷	۱	۰	۱	۴	۵	۱	۷	نقاط دیگر جهان (هند و ...)

در جدول شماره سه، مکتوبات غیر خبری نیز به طور جداگانه شمارش شده است. همان‌طور که پیش از این اشاره شد، مکتوبات غیر خبری، اخباری ارائه نمی‌دهند؛ ولی از نظر ابراز حس همدلانه به فعالیت مشروطه‌خواهان در داخل کشور اهمیت دارند.

بیشترین آمار بر طبق جدول شماره سه، در میان فعالیت‌های فرامرزی به تلگرافات ردوبدل شده علمای نجف با مناطق و اشخاص مختلف بوده است. جبل‌المتین در جهت دستیابی به تلگرافات علمای نجف در این دوره، منبع غنی‌ای به شمار می‌رود. برخی از این تلگرافات و احکام، نظر به اهمیتی که داشت، در منابع دیگر نیز موجود است؛ مانند تلگرافی که مبنی بر حکم تکفیر شاه بود (جبل‌المتین کلکته، ۲ رمضان ۱۳۲۶ق، ش ۱۱: ۱؛ شریف‌کاشانی، ۱۳۶۲: ۲۵۵/۱)؛ اما برخی از موضع‌گیری‌های علمای نجف، تنها در جبل‌المتین انعکاس یافته است؛ مانند «بیانیه علمای نجف به مجلس حکمیت لاهه» که

پیش‌تر اشاره شد.

اخبار نقل شده از روزنامه‌های خارجی، مخصوصاً در حوزه اروپا، علاوه بر حسّ همدلی به مشروطه‌خواهان داخلی، بازتاب این فعالیت‌ها در پارلمان کشورهای اروپایی، به‌ویژه انگلستان نیز می‌باشد. جبل‌المتین در دوره استبداد صغیر، تنها منبعی است که موضع‌گیری افراد مختلف در پارلمان انگلستان را با جزئیات نگاشته و مشروطه‌خواهان را از تصمیمات آنان و تحلیل‌های خود در باره آن مطلع می‌کرد.

رابطه مؤیدالاسلام در طول چاپ جبل‌المتین با حکومت انگلیسی هند، رابطه‌ای یکدست نبوده است. گاه چنان دوستانه بود که انگلیسی‌ها نسخه‌های جبل‌المتین را در عتبات پخش می‌کردند (۲: ۱۹۸۴، sims-williams) و گاه چنان خصمانه که مدت هشت سال به دستور حکومت انگلیسی هند، جبل‌المتین توقیف می‌شود و اجازه انتشار نمی‌یابد. در دوره استبداد صغیر، با توجه به اخبار جبل‌المتین در پارلمان انگلستان، اکثریت موافق با مشروطه‌خواهان ایرانی بوده‌اند و دولت انگلستان و وزیر خارجه وقت آن (سر ادوارد گری) را از دخالت در ایران که به نفع مستبدین و بنا به خواست روسیه بود، باز می‌داشتند (جبل‌المتین کلکته، ۶ ربیع‌الأول ۱۳۲۷ق، ش ۳۵: ۱). در این امر، نقش کمیته ایرانی لندن که شاخه‌ای از آن مربوط به پارلمان بود و افرادی چون ادوارد براون در آن حضور داشتند، مؤثر بود (براون، ۱۳۳۸: ۲۶۷). با توجه به این امر، رویه جبل‌المتین در حمایت از مشروطه‌خواهان و مخالفت با روسیه که حامی مستبدان بود، در راستای مشی سیاسی اکثریت در انگلستان بود. به همین دلیل، در این دوره، جهت انتشار اخبار در جبل‌المتین، دخالتی از طرف انگلیسی‌ها دیده نشده است.

نتیجه‌گیری

وجود رسانه‌های گروهی در شرایط بحران، می‌تواند جهت انتشار اخبار صحیح و جلوگیری از بروز شایعه مؤثر باشد. با این حال، ایران دوره استبداد صغیر، بنا به جو استبدادزده و همچنین، مسدود شدن راه‌های ارتباطی، از اخبار دروغ و شایعات پُر بود. به همین دلیل، به‌دست‌آوردن و انتشار اخبار دست‌آورد و صحیح، برای دست‌اندرکاران نشریه‌ای که در خارج از کشور به چاپ می‌رسید، سختی بیشتری داشت؛ هرچند به‌گواه ناظران، حبل‌المتین رسالت خود را در جهت اطلاع‌رسانی و انتشار اخبار ایران در آن زمان، به نحو احسن انجام داده است.

مؤیدالاسلام، مدیر نشریه، در سرمقاله‌های خود، موضع حبل‌المتین را در خصوص وقایع و رویدادها مشخص می‌کرد. او به افراد تا جایی که مصدر خدمت به مشروطه و مشروطه‌خواهان بودند، توجه می‌کرد و در هر زمان که پی به تحلیل اشتباه خود در باره رفتار افراد می‌برد، آن را اعلام می‌کرد؛ برای مثال، تا زمانی که ظل‌السلطان را حامی مشروطه‌خواهان می‌دانست، از وی حمایت می‌کرد و حتی پیشنهاد نیابت سلطنت وی را پس از برکناری محمدعلی شاه داده بود؛ اما با همکاری ظل‌السلطان با شاه، حبل‌المتین اعلام کرد که ظل‌السلطان نیز خوی استبدادی دارد.

موضع نشریه، برخلاف اکثریت مردم، در مقطع اول استبداد صغیر، خوشبینی به شاه نبود؛ بلکه با انتشار تکفیر شاه توسط علمای نجف، به مردم و رجال ملی القا می‌کرد که توانایی اثرگذاری و تصمیم‌گیری بر سرنوشتشان را دارند و از راه‌های مختلف، به حمایت و تشویق مردم جهت رفع استبداد می‌پرداخت.

اخبار این نشریه در مقطع دوم نیز در تهییج فضای عمومی بر ضد مستبدان اثر داشت و با انتشار اخبار رفتارهای مستبدان و پیشرفت‌های مشروطه‌طلبان، موجی از احساسات را در ایرانیان داخل و خارج از کشور برانگیخت. در مقطع سوم، اگرچه خود ناقد اصلی رفتار ایرانیان در جهت بهانه دادن به قوای بیگانه بود، اما با ارائه راهکارها و پیشنهادهای، خواستار این بود تا قوای بیگانه، هرچه زودتر کشور را ترک کنند.

حبل‌المتین در ابتدای مقطع چهارم، پس از عفو عمومی، مانند علما و بیشتر ایرانیان به فرمان صادره مشروطیت از طرف شاه، نگاهی بدبینانه داشت؛ اما در اواخر این مقطع، نگاه

سخت‌گیرانه حبل‌المتین به شاه تقلیل یافت؛ هرچند همچنان دیگر عوامل مستبدان را مذمت کرده است. با این حال، از تصمیم نهایی علما و سرداران مشروطیت در فتح تهران، به شدت حمایت می‌کرد.

در کنار این موارد، مؤیدالاسلام با تحلیل‌های آگاهانه، رفع استبداد را قدمی برای فعالیت جهت‌نوسازی کشور می‌دانست و نگرانی‌های خود از چنددستگی‌ها و منفعت‌طلبی‌های پس از پیروزی را، ماه‌ها قبل از فتح تهران اعلام کرده بود. مؤیدالاسلام علاوه بر آگاهی‌بخشی به ایرانیان داخل و خارج از کشور در باره رویدادهای استبداد صغیر، با برجسته کردن این اخبار در مجامع عمومی کشورهای اسلامی، همدردی جامعه اسلامی را با مشروطه‌خواهان خواستار بود. در مجموع، می‌توان چنین نتیجه گرفت که حبل‌المتین به عنوان یک رسانه، با وجود موانع، رسالت خود را علاوه بر اطلاع‌رسانی اخبار، در آگاه‌سازی، تفسیر و بالا بردن سطح مطالبات مردم، به خوبی انجام داده بود.

منابع

الف. کتاب و مقاله

- افشار، ایرج (به‌کوشش) (۱۳۵۹)، مبارزه با محمدعلی شاه؛ اسنادی از فعالیت‌های آزادی‌خواهان ایران در اروپا و استانبول در سال‌های ۱۳۲۶-۱۳۲۸ قمری، با پیشگفتار حسین پیرنیا. تهران: بی‌نا.
- امیری، محمد (۱۳۹۵)، «رویاریبی استبداد و مشروطه در دوران استبداد صغیر با تکیه بر روزنامه حبل‌المتین کلکته»، سومین کنفرانس بین‌المللی علوم انسانی، روانشناسی و علوم اجتماعی، برلین.
- براون، ادوارد گرانویل (۱۳۳۸)، انقلاب ایران، ترجمه احمد پژوه، تهران: کانون معرفت.
- پروین، ناصرالدین (۱۳۷۹)، تاریخ روزنامه‌نگاری ایرانیان و دیگر پارسی‌نویسان، ج ۲، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- جوراچی، محمدتقی (۱۳۸۶)، حرفی از هزاران کاندید عبارت آمد، مصحح علی قیصری، تهران: نشر تاریخ ایران.
- دولت‌آبادی، یحیی (۱۳۷۱)، حیات یحیی، ج ۲ و ۳، تهران: عطار.
- شریف‌کاشانی، محمد مهدی (۱۳۶۲)، واقعات اتفاقیه در روزگار، منصوره اتحادیه و سیروس سعدوندیان، ج ۱، تهران: نشر تاریخ ایران.
- صدرهاشمی، محمد (۱۳۲۷)، تاریخ جرائد و مجلات ایران، ج ۲ و ۳، اصفهان: کمال.
- علم، محمدرضا و محمد امیری (۱۳۸۶)، «بازشناسی روابط خارجی ایران در دوره استبداد صغیر با تکیه بر حبل‌المتین کلکته»، تاریخ روابط خارجی، ش ۳۱، تابستان: ۹۴-۱۱۳.
- فخرائی، ابراهیم (۱۳۷۱)، گیلان در جنبش مشروطیت، تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- کتاب آبی (۱۳۶۲)، به‌کوشش احمد بشیری، ج ۲، تهران: نشر نو.
- کسروی، احمد (۱۳۵۴)، تاریخ مشروطه ایران، تهران: امیرکبیر.

- کفائی، عبدالحسین مجید (۱۳۵۹)، مرگی در نور (زندگی آخوند خراسانی)، تهران: کتابفروشی زوار.
- کلییار، کلود آلبر (۱۳۶۸)، نهادهای روابط بین‌الملل، ج ۱، ترجمه هدایت الله فلسفی، تهران: نشر نو.
- کهن، گوئل (۱۳۶۲)، تاریخ سانسور در مطبوعات ایران، ج ۲، تهران: انتشارات آگاه.
- مرادی خلج، محمدمهدی (۱۳۸۹)، مشروعه خواهان مشروطیت، شیراز: کوشامهر.
- مستوفی، عبدالله (۱۳۸۴)، شرح زندگانی من، ج ۲، تهران: زوار.
- ملکزاده، مهدی (۱۳۷۱)، تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، ج ۴ و ۵، تهران: انتشارات علمی.
- ناظم‌الاسلام کرمانی، محمد (۱۳۶۲)، تاریخ بیداری ایرانیان، بخش دوم، ج ۴ و ۵، به اهتمام علی‌اکبر سعیدی‌سیرجانی، تهران: انتشارات آگاه و انتشارات نوین.
- نوایی، عبدالحسین (۱۳۵۵)، دولت‌های ایران از آغاز مشروطیت تا اولتیماتوم، تهران: بابک.
- وثوقی، محمدباقر (۱۳۷۵)، لارستان و جنبش مشروطیت، قم: مؤسسه فرهنگی همسایه.
- ویجویه، محمدباقر (۱۳۵۵)، بلوای تبریز (تاریخ انقلاب آذربایجان)، به‌کوشش علی کاتبی، تهران: سیمرغ.
- Sims - Williams, Ursula (۱۹۸۴). "The Persian newspaper *Habl al-matin*". *Library and Records & Oriental manuscripts and Printed newsletter*. No ۳۲. pp ۱-۳.

ب. نشریات

۱. چهره‌نما، سال ششم / ۱۳۲۷ق، شماره ۱۰.
۲. —، سال هفتم / ۱۳۲۸ق، شماره ۱۹.
۳. جبل‌المتین کلکته، سال پانزدهم / ۱۱ جمادى الثانی ۱۳۲۵ق-۱۵ جمادى الاول ۱۳۲۶ق، شماره‌های ۸-۱۳.

۳۶ مطالعات تاریخی جهان اسلام
سال هفتم، شماره ۱۳، بهار و تابستان ۱۳۹۸

۴. — ، سال شانزدهم / ۱۴ جمادی الثانی ۱۳۲۶ ق- ۲ جمادی الثانی ۱۳۲۷ ق، شماره‌های ۱، ۲، ۳، ۵، ۸، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۵، ۱۸، ۱۹، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۶، ۲۷، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۳۹، ۴۰، ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۴۶ و ۴۷.
۵. — ، سال هفدهم / ۱۶ جمادی الثانی ۱۳۲۷ ق- ۵ جمادی الثانی ۱۳۲۸ ق، شماره‌های ۱، ۲ و ۲۸.
۶. حکمت، سال هفدهم / ۱۳۲۷ ق، شماره‌های ۹۲۹ و ۹۳۰.
۷. شمس، سال اول / ۱۳۲۶ و ۱۳۲۷ ق، شماره ۲۰.
۸. — ، سال دوم / ۱۳۲۷ و ۱۳۲۸ ق، شماره ۹.